

محافظه کاری پدیداری و ماهیت توجیه معرفتی؛

رهیافتی درونی انگار به مناقشه ای قدیمی

نویسنده:

سید محمد جواد حسینی



نگارستان اندیشه

تهران، ۱۳۹۶

سرشناسه: حسینی، سید محمد جواد. ۱۳۷۱ -
عنوان و نام پدیدآور: محافظه‌کاری پدیداری و ماهیت توجیه معرفتی: رهیافتی
درونی‌نگار به مناقشه‌ای قدیمی / نویسنده سید محمد جواد حسینی.
مشخصات نشر: تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۸۶ ص.
شابک: 978-600-8273-54-7
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: محافظه‌کاری. Conservatism. بهانه آوردن. Excuses.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ م۳/ج۵۷۳ JC
رده‌بندی دیویی: ۳۲۰/۵۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۷۷۳۸۴

محافظه‌کاری پدیداری و ماهیت توجیه معرفتی؛ رهیافتی درونی‌نگار به مناقشه‌ای قدیمی

نویسنده: سید محمد جواد حسینی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مرتضی انصافی

نمونه‌خوانی: وحید دریابیگی

طراح جلد: سعید صحابی

چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: رامین

نشانی ناشر: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹ واحد ۷

تلفکس: ۶۶۴۳۵۴۲۳ - ۶۶۹۴۲۵۴۲

www.cins.ir - info@rics.ir

فهرست مطالب

مقدمه	۹
فصل نخست) ارزیابی معرفتی و نسبت آن با توجیه معرفتی	۱۷
۱-۱) ارزیابی معرفتی و هدف فعالیت شناختی	۱۸
۱-۱-۱) موضوع معرفت‌شناسی و متعلق ارزیابی معرفتی	۱۸
۱-۱-۲) ارزیابی معرفتی باور و هدف فعالیت شناختی	۲۳
۱-۲) توجیه معرفتی؛ مفاهیم و شروط آن	۲۸
۱-۲-۱) دو نوع توجیه معرفتی	۳۳
۱-۲-۱-۱) تلقی تلقی از توجیه معرفتی	۳۵
۱-۲-۱-۲) تلقی صوری‌گرایان از توجیه معرفتی	۳۸
۱-۲-۲) کدام تلقی از توجیه معرفتی صحیح است؟	۳۹
فصل دوم) درونی‌انگاری و برون‌انگاری در توجیه معرفتی	۴۶
۲-۱) تحلیل سستی معرفت، مشکل گتیه و انگیزه‌ی برون‌انگاری	۴۶
۲-۱-۱) تحلیل سستی از معرفت چیست؟	۴۶
۲-۱-۲) مثال‌های نقض گتیه و انگیزه‌ی برون‌انگاری	۵۴
۲-۲) درونی و برون‌انگاری در توجیه معرفتی	۵۷
۲-۲-۱) مناقشه بر سر چیست؟	۵۷
۲-۲-۲) درونی‌انگاری: درونی بودن به مثابه امر دسترسی‌پذیر یا حالت ذهنی؟	۶۰
۲-۲-۳) درونی‌انگاری به مثابه‌ی شاهدگرایی	۶۷
۲-۲-۴) برون‌انگاری و نظریه‌ی اعتمادگرایی	۷۴
فصل سوم) انگیزه‌های درونی و برون‌انگاری؛ بررسی انتقادات متقابل	۸۱
۳-۱) راهبرد استدلال علیه برون‌انگاری: انگیزه‌های درونی‌انگاری	۸۲

- ۳-۱-۱) مشکل جدید شیطان فریبکار و غیرضرور بودن اعتمادپذیری برای توجیه معرفتی ۸۴
- ۳-۱-۲) مشکل اعتمادپذیری ناشناخته و ناکافی بودن اعتمادپذیری برای توجیه ۹۴
- ۳-۲) SPO، دسترسی‌انگاری و قیاس ذوحدین برگمان علیه درونی‌انگاری ۹۸
- ۳-۲-۱) شرط آگاهی قوی و مشکل تسلسل باطل ۱۰۳
- ۳-۲-۲) شرط آگاهی ضعیف و SPO ۱۰۸
- فصل چهارم) دفاع از درونی‌انگاری در توجیه معرفتی: قیاس ذوحدین برگمان و محافظه‌کاری پدیداری ۱۱۵
- ۴-۱) محافظه‌کاری پدیداری چیست؟ ۱۱۷
- ۴-۱-۱) اصل محافظه‌کاری پدیداری ۱۱۸
- ۴-۱-۲) به نظر رسیدن چیست؟ ۱۲۳
- ۴-۱-۳) استدلال خود-ویرگری ۱۳۲
- ۴-۲) PC و امکانی برای پاسخ به قیاس ذوحدین برگمان ۱۳۵
- ۴-۲-۱) PC و قیاس ذوحدین برگمان ۱۳۶
- ۴-۲-۲) PC و بند سوم استدلال برگمان: پاسخ راجز و متیسون ۱۴۳
- ۴-۲-۳) PC و بند چهارم استدلال برگمان ۱۵۴
- ۵) جمع‌بندی ۱۶۹

مقدمه

از زمانی که افلاطون در رساله‌ی منون و ثئی‌توس معرفت^۱ را به «باور صادق موجه» تعبیر کرد تا به امروز پرسش‌های معرفت‌شناختی تطور گسترده‌ای پیدا کرده‌اند. به‌طور خاص پس از مقاله‌ی دوران ساز ادموند گتیه (۱۹۶۳) تلقی سنتی از معرفت که رویکرد غالب در تحلیل معرفت به شمار می‌رفت، با بحران مواجه شد.^۲ مثال‌های نقض گتیه نشان داد که این تلقی از معرفت که «باور صادق نه توسط شواهد^۳ در دست‌رس شناسا به لحاظ معرفتی موجه شده است» نمی‌تواند در تمام وضعیت‌های ممکن از «ارتباط تصادفی» میان باور شناسا و صدور حوگین کند. بنابراین وضعیت‌های ممکن وجود دارند که در آن‌ها با وجود تحصیل براسه شرط اصلی صدق، توجیه و باور، نمی‌توان به باور صادق موجه معرفت کرد. مثال‌های نقض گتیه به بازاندیشی گسترده در تحلیل معرفت منجر شد. از جمله‌ی این بازاندیشی‌ها، بازاندیشی در خصوص شرط توجیه بود. اگرچه پژوهش فلسفی در خصوص توجیه از زمان افلاطون در جریان بوده است اما امیات بعد از گتیه در خصوص توجیه، افق‌های جدیدی را در این خصوص باز کرده است. از جمله پرسش‌هایی نوینی که در خصوص توجیه در معرفت‌شناسی^۴، تحلیلی معاصر طرح شده، پرسش از ماهیت توجیه است.

اگرچه مفهوم توجیه در شاخه‌های مختلف فلسفه به کار می‌رود، با این همه

1. Knowledge

۲. در بخش ۱-۲ به بررسی تحلیل سنتی از معرفت و مثال‌های نقض گتیه خواهم پرداخت.

3. Evidences

4. Epistemology

آنچه مدنظر معرفت‌شناسان است مفهوم توجیه معرفتی^۱ است. توجیه هم‌چون معرفت یک مفهوم ارزیابانه است. به این معنا، باورهایی که دارای توجیه هستند از مزیتی معرفتی نسبت به باورهای غیرموجه، بهره می‌برند. عموم معرفت‌شناسان معاصر این مزیت معرفتی را در چارچوب هدف صدق^۲ تبیین کرده‌اند. از این جهت یک ویژگی توجیه معرفتی، صدق‌رسانی^۳ آن برای باور است. صدق‌رسان بودن ناظر به وجه عینی^۴ توجیه معرفتی است. با این همه، تمام ویژگی‌های توجیه معرفتی در وجه عینی آن خلاصه نمی‌شود. می‌توان وجهی منظر‌گرایانه^۵ نیز برای توجیه در نظر گرفت. این وجه منظر‌گرایانه، ناظر به وضعیت‌های ممکن است که طی آن دو شخص به دلیل تفاوت در شواهد در دست‌رس و باور خود باورهای یکسان، وضعیت توجیهی^۶ متفاوتی دارند. بنابراین، به طور کلی توجیه معرفتی از یک سو احتمال صدق باور را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، با شراهد در دست‌رس شناسا مرتبط است. این دو ویژگی اگر در یک تلقی واحد سازگار نشیند، در آن صورت ارزیابی باورهای علی‌الادعا موجه یا ارزیابی شروط موجه بودن باور، ممکن نخواهد بود. در نتیجه، بحث از ماهیت توجیه معرفتی بر بحث‌های دیگری چون شروط موجه بودن، ساختار توجیه و امثالهم تقدم دارد.

در بحث از ماهیت توجیه معرفتی، یک پرسش مهم آن است که شرط یا شروطی که باور را موجه می‌سازند باید نسبت به منظر شناسا، بیرونی باشند یا بیرونی؟ به عبارت دیگر، نظریه‌های ماهیت توجیه باید روشن کنند که بر کدام وجه از وجوه توجیه (وجه صدق‌رسانی یا وجه منظر‌گرایانه) تأکید می‌کنند. تأکید معرفت‌شناسان بر یکی از این دو جنبه‌ی خاص، در واقع مناقشه‌ی

1. Epistemic justification

2. Truth goal

3. Truth-conduciveness

4. Objective

5. Perspectival

6. Justificational status

درونی‌انگاری^۱ و برونی‌انگاری^۲ در توجیه را پدید می‌آورد. در نظر داشته باشید مناقشه‌ی درونی و برونی‌انگاری انحصاری در مقوله‌ی توجیه ندارد. ممکن است که در خصوص برخی مقولات معرفت‌شناختی همچون توجیه درونی‌انگار بود، درعین حال در خصوص دیگر مقولات هم‌چون معرفت رویکردی برونی‌انگار اتخاذ کرد. هم‌چنین نباید فراموش کرد که تقریرهای متفاوتی از درونی و برونی‌انگاری وجود دارد. بسته به این‌که درونی بودن نسبت به نظر شناسا چگونه فهمیده شود، تقریرهای مختلفی از درونی‌انگاری وجود دارد. بنا بر یک تقریر، صرفاً حالات ذهنی نسبت به منظر شناسا درونی هستند. بنابراین توجیه‌گر^۳ باور حالات ذهنی شناسا به حساب می‌آید. بنا بر یک تقریر دیگر، درونی بودن نسبت به منظر شناسا، یعنی شناسا بتواند از طریق تأمل^۴ صرف به توجیه‌گر باور خود دسترسی داشته باشد. از سوی دیگر طبق قرائت اعتمادگرایی^۵ (به عنوان ارازم و احتمالاً فراگیرترین نظریه‌ی برونی‌انگار در خصوص توجیه) باوری موجه است که محصول یک فرایند باورساز اعتمادپذیر^۶ باشد. اجمالاً، فرایند باورسازی اعتمادپذیر است که باورهای خروجی آن در اغلب موارد صادق باشد. با توجه به این‌که اعتمادپذیر بودن

۱. Internalism. درونی‌انگاری در توجیه معرفتی اجمالاً به این معناست که تمام مواردی که در توجیه باور ایفای نقش می‌کنند نسبت به شناسا درونی هستند. ایده برونی‌انگاری در مقابل ناظر به این نکته است که برخی از مهم‌ترین مواردی که در توجیه باور نقش دارند نسبت به شناسا برونی هستند. در بخش ۲-۲ به تفصیل به این مناقشه می‌پردازیم.

2. Externalism.

۳. Justifier. برخی از واژگان دیگری چون Justification-Contributor یا J-factor نیز استفاده کرده‌اند که معنایی یکسان با توجیه‌گر دارد.

۴. Reflection. تأمل اگر به صورت غیر تجربی و بر مبل راحتی (Arm chair) صورت گیرد شامل شهرد عقلانی، درون‌نگری و حافظه می‌شود (Bergmann 2006a, 9).

5. Reliablism

۶. Reliable belief forming process. در بخش ۴-۲ به این مفهوم خواهیم پرداخت.

فرآیندها نسبت به شناسا امری درونی نیست، نظریه‌ی اعتمادگرایی در توجیه برونی‌انگار است. اعتمادگرایی از جمله با این نقد مواجه شده است که سویه‌ی منظرگرایانه‌ی توجیه را تأمین نمی‌کند. مثلاً طبق اعتمادگرایی اگر باوری محصول فرآیند باورساز اعتمادپذیر باشد، هرچند که شخص شاهی برای آن نداشته باشد، موجه قلمداد می‌شود.

این‌ها در این جا، دفاع از نظریه‌ی توجیهی است که بتواند مهم‌ترین شهودات ما از توجیه معرفتی را به درستی تبیین کند. به زعم من، این مهم با نظریه‌ی درسی‌انگار از توجیه ممکن می‌شود. از نظر من، نظریه‌های برونی‌انگار تنها به معرفتی به واسطه‌ی تأکید بر وجه عینی توجیه معرفتی، نمی‌توانند وجه منظرگرایانه‌ی توجیه را تبیین کنند. به همین دلیل ارزیابی‌های برونی‌انگار بعضاً با شهودات ما در خصوص توجیه معرفتی دچار تعارض می‌شوند. اگر بپذیریم که نظریه‌ی معرفتی باید مهم‌ترین شهودات ما در خصوص توجیه را تبیین کند، در برابر سورت ارزیابی باورها به نحوی که با شهودات ما در تعارض بیافتند، قابلیت آن را دارد که نقصی برای نظریه‌ی توجیه قلمداد شود. راهبرد اصلی من در این پژوهش، تکیه بر همین ارزیابی‌های خلاف شهود نظریه‌های برونی‌انگار خواهد بود. در یک تصویر کلی از آنچه در ادامه تشریح می‌شود، چهار فصل از بخش‌های این کتاب با اندک استثنائاتی به تشریح ادبیات اختصاص دارد. در فصل پنج تلاش کرده‌ام (اگر این تلاش وافی مقصود بوده باشد) که از منظر خود مشرکتی در بحث پیدا کنم.

در فصل نخست، از دریچه‌ی جنبه‌ی ارزیابانه‌ی^۱ معرفت‌شناسی و تبیین نسبت جنبه‌ی ارزیابانه با هدف فعالیت‌های شناختی^۲ به این مسئله خواهم

پرداخت که به چه دلیل توجیه معرفتی به مثابه یک مفهوم ارزیابانه در معرفت‌شناسی مورد بحث قرار گرفته است. سپس در بخش دوم همان فصل با نگاهی نزدیک‌تر به این مفهوم، دو تلقی عمده از ماهیت توجیه معرفتی را به بحث خواهم گذاشت. نهایتاً تلقی مختار خود را ارائه خواهم کرد.

در فصل دوم از میان مناقشه‌های مختلفی که در خصوص توجیه معرفتی مطرح است، به سراغ مناقشه‌ی درونی و برونی‌انگاری در توجیه معرفتی رفته‌ام زیرا این مناقشه کانون بحث از ماهیت توجیه معرفتی را تشکیل می‌دهد. در بخش نخست فصل دوم، تلاش کرده‌ام ضمن روشن کردن زمینه‌ی مناقشه‌ی درونی و برونی‌انگاری، به تبیین تاریخی پیدایش آن بپردازم. سپس در بخش دوم این فصل، به تشریح تفصیلی این مسئله پرداخته‌ام که اساساً مناقشه‌ی مذکور بر سر چیست است. سپس این مسئله را بررسی کرده‌ام که معنای درونی بودن و به تبع معنای برونی بودن از منظر شناسا چه چیزی است. در دو بخش پایانی به منظور روشن شدن ابعاد بحث از درونی و برونی‌انگاری، نظریه‌های سرنمون در هر دو اردوگاه درونی و برونی‌انگاری یعنی شاهدگرایی^۱ و اعتمادگرایی را به بحث گذاشته‌ام.

در فصل سوم ضمن تشریح راهبرد حرد در مناقشه‌ی درونی و برونی‌انگاری، دو انتقاد از نظریه‌ی اعتمادگرایی را به بحث گذاشته‌ام. مطابق راهبردی که در فصل سوم تشریح شده است، نظریه‌ی توجیه معرفتی نسبت به بدیل‌های موجود دارای مزیت است تنها اگر در ارزیابی این راه، خلافِ مهمترین شهودهای ما عمل نکنند. با مبنا قرار دادن این نکته، نشان داده می‌شود که دست‌کم در دو وضعیت (که احتمالاً از جمله‌ی مهم‌ترین شهودات ما به شمار می‌آیند) اعتمادگرایی اولیه، به ارزیابی خلافِ شهودیِ باورهای ما می‌انجامد. از آنجایی که درونی‌انگاری، باورها را در آن دو وضعیت موافق

شهود ارزیابی می‌کند، درونی‌انگاری را واجد مزیت دانسته‌ام. هم‌چنین با عطف نظر به این مهم که ممکن است مزیت مورد نظر درونی‌انگار از وجهی دیگر دردرس‌ساز باشد، تفصیلاً به یک انتقاد مهم و جدید از درونی‌انگاری پرداخته‌ام. قیاس ذوحدین^۱ برگمان (2006a) علیه درون‌انگاری، اجمالاً متوجه این نکته است که اگر نظریه‌ی درونی‌انگار، دست‌رسی‌پذیری^۲ توجیه‌گر باور را مزیتی برای خود برشمارد آن‌گاه این مزیت در دو خوانش قوی و ضعیف آن به ترتیب یا منجر به شک‌گرایی ریشه‌ای^۳ می‌شود یا مزیتی برای درونی‌انگاری برنمی‌گیند.

در فصل چهارم تلاش کرده‌ام به این انتقاد تأثیرگذار علیه درونی‌انگاری پاسخ دهم. به این منظور به بهره گرفتن از نظریه‌ی محافظه‌کاری پدیداری^۴ پاسخ‌های درونی‌انگاران به در حد قیاس برگمان را بررسی کرده‌ام. در بخش نخست این فصل، توضیح داده‌ام که محافظه‌کاری پدیداری چه مختصاتی دارد. در بخش دوم، با طرح انتقاد برگمان علیه محافظه‌کاری پدیداری اشاره کرده‌ام که به زعم برگمان (۲۰۱۳) محافظه‌کاری پدیداری نیز از قیاس ذوحدین او به سلامت عبور نخواهد کرد. با این حال در ادامه بحث تلاش کرده‌ام تا نشان دهم این ادعای برگمان غلط بوده و محافظه‌کاری پدیداری توانایی پاسخ‌گویی به هر دو حد ضعیف و قوی استدلال را دارد.

فصل پنجم که به جمع‌بندی بحث اختصاص دارد، به مشارکت من در پاسخ به قیاس برگمان متمرکز شده است. من در این‌جا به محذرت مشارکت

1. Dilemma

2. Accessibility

3. Radical skepticism

۴. Phenomenal conservatism. هیومر (2007, 30) محافظه‌کاری پدیداری را چنین تعریف

می‌کند: «اگر به نظر شناسا برسد که P و ناقضی وجود نداشته باشد، آن‌گاه شناسا در باور به P دست‌کم حدی از توجیه را دارد».

مذکور اشاره نمی‌کنم، چه این‌که مستلزم بازگویی مقدماتی است که جملگی در فصول سه و چهار تشریح شده‌اند. با این حال من در آن فصل به راهبردی مختار اشاره خواهم کرد که احتمالاً بر مبنای آن بتوان پاسخی درونی‌انگار به بند چهار استدلال برگمان فراهم آورد. به بیانی دیگر، نقشه‌ی راهی را ترسیم می‌کنم که احتمالاً می‌تواند پاسخی از وجه آگاهی ضعیف به بند ۴ قیاس ذوحذیر برگمان برای ما فراهم آورد. از آنجایی که این راهبرد صرفاً سرمشیقی بری استدلالی احتمالی است، مخاطب نباید انتظار استدلال جدیدی را داشته باشد.

در انتها، ارم می‌بسم از کمک و یاری اساتید محترم سرکار خانم دکتر کوکب، جناب آقای دکتر زانی و جناب آقای ابوتراب یغمایی تشکر کنم. اگر راهنمایی‌های ایشان با انصراف بناب دکتر زمانی همراه من نبود، پژوهش فعلی هیچ‌گاه به شکلی کنونی آن در دسترس نمی‌آمد. هم‌چنین از هم‌فکری دوستانم از جمله هادی صفایی که در برخی موارد نکات ارزنده‌ای را بر من مشکوف کرد نهایت قدردانی را دارم. لازم است از جناب آقای دکتر صادق حیدرنیا و دیگر عوامل انتشارات نگارستان نیز تشکر کنم که اگر نه این راهنمایی‌ها، ایشان همراه نبود، این پژوهش به زیور طبع آراسته نمی‌شد.